

تحلیل ساختاری داروشناسی در کتاب 'الابنیه عن حقایق الادویه' نوشته ابومنصور هروی

هوشنگ خسروبیگی^{الف*}، نسرين آزادی^ب

^{الف} گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران

^ب پژوهشگر تاریخ

چکیده

سابقه و هدف: ابومنصور موفق بن علی هروی، داروساز و پزشک ایرانی (سده ۴ و ۵ هجری قمری - ۱۰ و ۱۱ میلادی)، نویسنده اولین فرهنگ دارویی شناخته شده به زبان فارسی با عنوان "الابنیه عن حقایق الادویه" است. پژوهش‌های انجام شده در خصوص این کتاب، عمدتاً متکی بر بررسی واژگان از نگاه ساختار زبانی است؛ اما در زمینه استخراج واژگان دارویی و در حوزه مطالعات تاریخ داروسازی، اقدامی صورت نگرفته است. لذا هدف از این مطالعه، تبیین محتوای کتاب الابنیه در دانش داروشناسی و تشریح ساختارهای مورد نظر هروی در تقسیمات دارویی است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر، با رویکرد مروری و روش تحلیل محتوای کیفی و کمی در حوزه مطالعات کتابخانه‌ای و متکی بر کتاب الابنیه انجام شده است.

یافته‌ها: این بررسی امکان تدوین ساختار داروشناسی در اندیشه هروی را فراهم آورد. در کتاب الابنیه ۵۸۴ عنوان دارو معرفی و بررسی شده است. چگونگی ارائه و معرفی این داروها نشان داد که در اندیشه هروی پنج ساختار کلان شامل تقسیم داروها بر اساس ماهیت و کارکرد، منافع و مضرات، مزاج و طبایع دارویی، منشأ دارویی و در نهایت وابستگی جغرافیایی داروها وجود داشته است.

همچنین داده‌های این بررسی در مقایسه با کتاب ذخیره خوارزمشاهی اثر سید اسماعیل جرجانی نشان داد که دانش داروشناسی در حوزه ساخت داروهای ترکیبی و نیز گستره داروشناسی، از قرن چهارم تا قرن ششم هجری قمری پیشرفت داشته است.

نتیجه‌گیری: نوع ارائه مطالب و معرفی داروها از سوی هروی نشان می‌دهد که وی اندیشه‌ای نظام‌مند در خصوص داروشناسی داشته است. این نظام‌مندی هم در مقدمه هروی و هم در معرفی داروها، آشکار است.

کلیدواژه‌ها: الابنیه عن حقایق الادویه، ابومنصور موفق هروی، داروشناسی

تاریخ دریافت: آبان ۹۶

تاریخ پذیرش: تیر ۹۷

مقدمه:

بر اساس اهمیت این کتاب، تاکنون برخی پژوهش‌ها در خصوص این اثر انجام شده است. فرانسیسکو رومئو زلیگمان (۱۸۰۸ تا ۱۸۹۲ م) محقق در تاریخ پزشکی مشرق زمین، این کتاب را در سال ۱۸۵۹ م با مقدمه‌ای به زبان لاتینی، در وین منتشر کرد. پس از آن عبدالخالق باکویی، ترجمه آلمانی آن را در ۱۸۹۳ م در آلمان چاپ کرد؛ پاول هرن - ایران‌شناس و زبان‌شناس آلمانی - ویژگی‌های زبانی الابنیه را به ترجمه آخونداف افزود؛ در سال ۱۹۶۳ م ژیلبر لازار، صفحاتی از کتابش را به بررسی ویژگی‌های آوایی و صرف و نحوی زبان فارسی در قرن چهارم و پنجم، اختصاص داد. در سال ۱۳۴۴ ش/۱۹۶۵ م بنیاد فرهنگ ایران، صفحاتی از الابنیه را به همراه مقدمه

شناسایی مجموعه واژگان فارسی در کتاب الابنیه عن حقایق الادویه به‌عنوان یک فرهنگ دارویی و تحلیل محتوایی این واژگان، بخشی از مطالعات تاریخ پزشکی و در حوزه داروشناسی می‌باشد. باتوجه به گستره اطلاعات داروها در کتاب الابنیه، این اثر دربردارنده مهم‌ترین و کهن‌ترین مجموعه واژگان دارویی به زبان فارسی است. به همین لحاظ استخراج واژگان دارویی و شناخت روابط معنایی این واژگان از نظر وابستگی جغرافیایی و نیز در مجموعه ساختار داروشناسی در این کتاب، می‌تواند بخشی از دانسته‌های ما را در ارتباط با دانش پزشکی و داروسازی در تاریخ ایران، تکمیل کند.

سال ۱۳۹۵ش متکی بر استخراج و بررسی و تحلیل واژگان نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی در پنج کتاب دوم در دانشگاه پیام نور انجام شده است (۷). مقاله مستخرج از این طرح نیز با عنوان «واژه‌شناسی پزشکی در ذخیره خوارزمشاهی» در سال ۱۳۹۵ش به چاپ رسید (۸).

مواد و روش‌ها:

این بررسی با رویکرد مروری، روش تحلیل محتوای کیفی و کمی در حوزه مطالعات کتابخانه‌ای، متکی بر کتاب *الابنیه عن حقایق الادویه* ابومنصور هروی و با بهره‌گیری از ابزارهای آماری تنظیم شده است. در این بررسی، ابتدا کلیه داروهای معرفی شده در کتاب *الابنیه*، شناسایی و معنی لغوی و مفهومی آن‌ها با اتکا بر اطلاعات مندرج در کتاب *الابنیه* و مأخذ پیش گفته، تعیین و طبق توضیح پیشین، تعداد دقیق این داروها شمارش شد. ضرورت تعیین دقیق این عدد به واسطه آن است که مبنای تقسیمات داروها متکی بر تعیین دقیق داروهای معرفی شده در *الابنیه* می‌باشد.

کثرت کاربرد واژگان عربی و اصطلاحات فنی موجب صعوبت خوانش اثر شده است. در موارد بسیاری، تلاش ارزشمند احمد بهمنیار مصحح اثر و حسین محبوبی اردکانی کوشش‌گر اثر، در تنظیم چاپی اثر، یاری‌گر است. محبوبی تا حد امکان معانی واژگان ثقیل را در زیرنویس و یا در فهرست انتهایی کتاب درج کرده است که بسیار استفاده شد. با این حال در این بررسی و به‌منظور شناسایی معنی واژگان داروها از *لغت‌نامه دهخدا* (۹)، فرهنگ نفیسی تألیف علی‌اکبر نفیسی (ناظم الأطبایا) (۱۰)؛ فرهنگ *آندراج* تألیف محمد پادشاه (۱۱) و از فرهنگ عربی به فارسی لاروس (۱۲) بهره گرفته شد. در پایان نیز به دلیل آنکه مجموعه کتاب‌های ذخیره خوارزمشاهی بزرگ‌ترین دایره‌المعارف فارسی پزشکی و مربوط به قرن ششم قمری و نزدیک به دوره هروی است برای بازتعریف واژگان دارویی از آن استفاده شد (۱۳). همچنین در کنار نسخه خطی از پژوهشی مشابه که در خصوص واژگان پزشکی مندرج در ذخیره خوارزمشاهی و در قالب یک پایان‌نامه (۶) و یک طرح پژوهشی (۷) انجام شده است برای تعمیق دانسته‌ها در

کوتاهی از مجتبی مینوی در قطع رحلی منتشر کرد. در حدود سال ۱۳۳۰ش احمد بهمنیار استاد دانشگاه تهران متن *الابنیه* را تصحیح کرد ولی مرگ او، فرصت اتمام کار را از وی بازستاند. متنی که بهمنیار برای چاپ آماده کرده بود، در سال ۱۳۴۶ش با کوشش حسین محبوبی اردکانی، منتشر شد؛ در سال ۱۳۴۷ش علی رواقی در مجله سخن، نقدی بر این چاپ نوشت و ضمن توضیح بعضی لغات متن و نشان دادن بعضی توضیحات اشتباه مصحح، بخشی از افتادگی‌های متن چاپی را نیز با مقابله متن چاپی و نسخه خطی به دست داد. در سال ۱۳۵۳ش منوچهر امیری دانشیار دانشگاه شیراز، کتابی با نام فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار درباره کتاب *الابنیه* به چاپ رساند؛ و به شرح واژه‌های *الابنیه* پرداخت. محمد قزوینی در سال ۱۳۵۴ش کتابی با عنوان *فواید از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه* منتشر کرد که حاوی لغات و تلفظ‌های خاص *الابنیه* و بعضی ویژگی‌های املائی آن بود (۱).

این پژوهش‌ها عمدتاً متکی بر بررسی واژگان از نگاه ساختار زبانی انجام شده، اما در زمینه استخراج واژگان دارویی و در حوزه مطالعات تاریخ پزشکی و داروسازی، اقدامی صورت نگرفته است؛ لذا ضرورت دارد با بررسی محتوای این اثر و تفکیک و تحلیل کیفی و کمی واژگان دارویی، سهم هر مورد ارزیابی شود، تا بتوان گامی در پیشبرد دانش پزشکی دوره اسلامی قرن پنجم هجری برداشت.

از فعالیت‌های مشابه در این مورد می‌توان به پایان‌نامه‌های: «اصطلاح‌نامه پزشکی دوره اسلامی بر اساس تحلیل محتوایی و واژگانی کتاب *الاعراض الطبیه جرجانی*» (۲)؛ «واژگان تخصصی تشریح در قرن ۸ هجری قمری به استناد کتاب *تشریح الابدان منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس شیرازی*» (۳)؛ «دانش چشم‌پزشکی در دوره سلجوقی با تکیه بر استخراج واژگان چشم‌پزشکی کتاب *نورالعیون*» (۴)؛ «اصطلاح‌نامه پزشکی دوره اسلامی بر اساس تحلیل محتوایی و واژگانی کتاب هدایه المتعلمین فی الطب» (۵) و «اصطلاح‌نامه پزشکی دوره اسلامی بر اساس تحلیل محتوایی و واژگانی پنج کتاب اول کتاب ذخیره خوارزمشاهی» (۶)؛ اشاره کرد. همچنین یک طرح پژوهشی در

اطلاع می‌دهد نخواسته موردی را از قلم بیندازد و یا مختصر بنویسد و تلاش داشته تا اثری جامع در حوزهٔ داروشناسی زمان خود ارائه دهد (۱۵). مؤلف در آثار حکیمان پیشین و طبیبان محدث، جست‌وجو نموده و به تأمل در آنها نگریده است. احتمالاً بخشی از این دانسته‌ها نیز میراث آثار پزشکی دورهٔ ساسانیان و نیز حاصل فعالیت‌های پزشکی در جندی‌شاپور است. همچنین می‌دانیم که به هند سفر کرده است (۱۵).

در مورد زمان زیست او اختلاف نظر وجود دارد. در این خصوص دو تاریخ در دسترس داریم. اولی تاریخ کتابت نسخهٔ موجود است که توسط علی‌بن‌احمد اسدی طوسی شاعر معروف و سرایندهٔ متن *گرشاسب‌نامه* در سال ۴۴۷ ق کتابت شده و در آخر نسخه این موضوع درج شده است (۱۵). همچنین می‌دانیم که در حدود ۴۶۵ ق درگذشته است (۱۶).

بیشترین چالشی که در بررسی زمان زندگی هروی صورت گرفته متکی بر نام فرمانروایی است که هروی اثر خود را به او اهدا کرده است. هروی کتاب خود را به فرمانروایی با عنوان «مولانا الامیر المسدد المؤید المنصور» اهدا کرده است؛ زیرا به نوشتهٔ هروی، خرد او را تکلیف کرده است «که بنام این ملک عالم و عادل این کتاب تصنیف» کند (۱۵). شناخت این پادشاه می‌تواند ما را با زمان تألیف کتاب و زمان زیست هروی آشنا سازد.

فلوگل و سایر مستشرقین معتقدند که مقصود از عبارات بالا، منصور بن نوح بن نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی است (۱۵). اگر این نظر را بپذیریم باید تاریخ تألیف اثر را حدود سال‌های ۳۵۰ تا ۳۶۵ ق یعنی زمان حکمرانی منصور بن نوح سامانی بدانیم. اما پژوهش‌های بعدی نشان داده که این احتمال چندان به واقعیت نزدیک نیست. به نظر محمد قزوینی، کلمات «الامیر المسدد المؤید المنصور»، از القاب تعظیمی و تفضیمی معموله بوده که به اغلب ملوک و امرا، اطلاق می‌شده، زیرا این سه کلمه، در عرض هم ذکر شده‌اند؛ وانگهی لقب رسمی منصور بن نوح، به تصریح اکثر مورخین «الامیر السدید» بوده نه «الامیر المسدد»؛ با این حال قزوینی حدس فلوگل و مستشرقین دیگر را به کلی غیرممکن نمی‌داند (۱۵).

خصوص معانی واژگان دارویی بهره برده شد. ضمناً تعداد ۲۴ منبع واجد شرایط، انتخاب و مطالب آن‌ها بررسی شد.

یافته‌ها و بحث:

به استناد نظر محمد قزوینی، این اثر جزو اولین آثار نوشته شده به زبان فارسی است (۱۴)، با این حال علی‌رغم آنکه فرهنگ دارویی/لابنیه به زبان فارسی نوشته شده است اما تأثیر زبان عربی و کاربرد واژگان زبان عربی در آن بسیار مشهود است.

همچنین نوع ارائهٔ مطالب و معرفی داروها در این کتاب نشان می‌دهد که هروی در حوزهٔ داروشناسی، اندیشه‌ای نظام‌مند داشته است. هروی برای توصیف و معرفی بهتر دارو، تلاش داشته که انواع داروهای فرعی مرتبط با آن دارو را در قالب تقسیمات مختلف بیان دارد.

این بررسی امکان تدوین ساختار داروشناسی در اندیشهٔ هروی را فراهم آورد. در لابنیه ۵۸۴ عنوان دارو معرفی و بررسی شده است. چگونگی ارائه و معرفی این داروها در لابنیه، نشان داد که در اندیشهٔ هروی پنج ساختار کلان، شامل تقسیم داروها بر اساس: ماهیت و کارکرد، منافع و مضرات، مزاج و طبایع دارویی، منشأ دارویی و در نهایت وابستگی جغرافیایی داروها وجود دارد. هروی برخی از این پنج ساختار کلان را به روشنی در مقدمه و متن نشان داده است و برخی نیز از محتوای ارائهٔ داروها و از طریق روش تحلیل محتوای کمی و کیفی استنباط می‌شود.

ابومنصور موفق بن علی هروی

تمام شناخت ما از هروی متکی بر اطلاعات پراکنده‌ای است که وی در کتاب خود ارائه داده است. از نام کامل او مندرج در کتاب مشخص است پدرش «علی» نام داشته و از نام وی احتمال داده می‌شود که از اهالی هرات بوده است (۱۵). بر اساس اطلاعاتی که در مقدمهٔ کتاب خود نوشته، می‌دانیم که وی در حوزهٔ پزشکی مطالعات زیاد داشته و دانسته‌های گذشته در خصوص داروها را گردآوری و بررسی کرده و هدفش گردآوری کلیهٔ دانسته‌ها در این اثر بوده است. همان‌گونه که

الف است (۱۵). در صورتی که این گونه باشد، این سؤال است که چرا هروی برای بقیه قسمت‌ها این گونه عمل نکرده است. همچنین در حرف «لام»، داروهای «ابوال» و «بزاق» را معرفی کرده است (۱۵)؛ نویسندگان مدخل «ابومنصور هروی» در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، احتمال داده‌اند که در اینجا مؤلف ماده نخست را از فرهنگی که بر پایه حروف آخر کلمات - منظور حرف لام در انتهای کلمه ابوال - مرتب شده بود، برداشته؛ و ماده دوم را در شکل مرادف «بزاق» - یعنی «لعاب» - در نظر داشته و از نقل درستشان غفلت ورزیده است (۱۸).

همچنین در مواردی ترتیب الفبایی متکی بر عنوان مجموعه داروها است. به‌عنوان نمونه هروی همه روغن‌ها را در قسمت حرف دال و در یک مجموعه تحت عنوان «باب الادهان» یعنی قسمت روغن‌ها آورده است و در ادامه این قسمت هر یک از روغن‌های دارویی را به‌صورت مستقل معرفی می‌کند. مانند: «دُهْنُ الْجَوْز» یعنی روغن گردو؛ «دُهْنُ السَّمْسِمِ» به معنی روغن کنجد و «دُهْنُ الْفَسْتَقِ» که هروی روغن پسته، معنی کرده است (۱۵) هروی این روال را برای سنگ‌های دارویی نیز به‌کار برده است؛ چون در ابتدای نام هر یک از این داروها کلمه «خَجَر» به معنی سنگ را به‌کار برده، شروع حرف این داروها را با حرف «ح» قرار داده و همه را در قسمت «ح» آورده است؛ مانند: «حجراللازورد» به معنی سنگ لاجورد (۱۵).

ساختار زبانی/لابنیه

گرچه کتاب/لابنیه به زبان فارسی نوشته شده ولی برخی پژوهشگران این اثر، به تأثیرپذیری بسیار هروی از زبان عربی اشاره کرده‌اند (۱۵). بررسی حاضر در این پژوهش نشان می‌دهد این تأثیر در وجوه زیر قابل شناسایی است:

✓ تفکیک هر قسمت با عنوان‌های عربی مشخص شده است؛ به‌عنوان مثال «باب عَلَى حَرَفِ الْاَلْفِ» یا «باب عَلَى حَرَفِ الْحَاءِ» و امثال آن.

✓ در ترتیب الفبایی، بخش خاصی به حروف خاص زبان فارسی یعنی حروف «پ»، «چ»، «ژ» و «گ» که در الفبای زبان عربی نیستند، اختصاص نیافته است. مدخل‌ها بر اساس

در سال ۱۳۵۶ش جلال خالقی مطلق طی پژوهشی که در خصوص اسدی طوسی کاتب نسخه موجود انجام داد، نشان داد که امیر مورد نظر هروی در این کتاب همان ممدوح اسدی طوسی یعنی یکی از امرای خاندان حکومت گر محلی جستانیان در طارم با نام ابونصر جستان است. خالقی با بررسی‌هایی که به عمل آورده، دوران حکمرانی این امیر را حدود ۴۲۱ تا ۴۵۳ق می‌داند. وی نتیجه می‌گیرد که تاریخ تألیف کتاب/لابنیه بین سال‌های ۴۳۰ تا ۴۴۵ق صورت گرفته است (۱۷).

در هر حالت این کتاب چه در دوره سامانی و چه دوره معاصر با خاندان جستانیان و چه در ماوراءالنهر و خراسان و چه در طارم و گیلان تألیف شده باشد، در محیطی نوشته شده که کماکان فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی پررنگ و پررونق بوده است. می‌دانیم که هم سامانیان از دهقان‌زادگان دوره ساسانی محسوب می‌شدند و هم جستانیان از خاندان‌های حکومت‌گر محلی بازمانده از دوره ساسانیان بودند.

ساختار شکلی کتاب/لابنیه

این کتاب یک مقدمه و بیست و نه باب دارد، که هر باب تقریباً به یک حرف الفبا اختصاص یافته است. این کتاب یک فرهنگ الفبایی دارویی است و ابومنصور هروی در انتهای مقدمه بر این امر تأکید کرده و دلیلش را آن دانسته «تا باز جستش آسان بود» (۱۵)؛ با این حال در ترتیب ارائه به‌صورت الفبایی، صرفاً حرف اول رعایت شده و این ترتیب در حروف بعدی نام آن دارو، رعایت نشده است. محمد قزوینی نیز که نسخه خطی اثر را در وین در سال ۱۳۰۱ش بررسی کرده این موضوع را متذکر شده است (۱۴)؛ به‌عنوان نمونه در حرف «ر» ابتدا «رمان» و سپس «ریباس» و بعد «راسن» را معرفی کرده است و از حیث حروف دوم به بعد ترتیبی در نظر نگرفته است. همچنین در مواردی نیز اشتباهات و تداخل نام دارو در ترتیب الفبایی وجود دارد. از جمله دو باب برای حرف «لام» دارد که اولی از «لبن» آغاز شده و به «لؤلؤ» پایان یافته است؛ یعنی بعد از با حرف «ها»، مجدداً حرف «لام» آمده که در آن سه دارو شامل «لاذن»، «لازورد» و «لاغیه» معرفی شده است؛ محبوبی اردکانی، احتمال داده است که این باب، مخصوص حروف لام -

نوشته شده و از این حیث یک متن به زبان فارسی تلقی می‌شود، واجد ویژگی‌های مهمی در تاریخ ادبیات فارسی و به‌خصوص تاریخ پزشکی در زبان فارسی است؛ که به برخی موارد اشاره می‌شود:

- هروی در موارد بسیار، نام دارو را در عنوان به‌صورت فارسی نوشته است. در بررسی اولیه این تعداد حدود سی درصد عناوین داروها را شامل می‌شود. از جمله این موارد عبارت‌اند از: «پرسیوشان»، «جفت آفرید»، «رامک»، «مامیران» و

- اشاره هروی به نام فارسی داروها صرفاً به این موارد پایان نمی‌یابد؛ وی در بسیاری از موارد که در عنوان، نام عربی دارو را آورده است، معادل فارسی نام دارو را در متن درج کرده است. این موارد به اشکال مختلف از سوی هروی اعمال شده است. گاه ضمن نوشتن عبارت «به پارسی خوانند»، معادل نام دارو را در زبان فارسی نوشته است. مثلاً در زیر عنوان «حنظل» می‌نویسد: «حنظل را به پارسی کبست خوانند»؛ یا «رطبه را اسپست گویند به پارسی» (۱۵). گاه بدون اشاره به زبان فارسی، در ابتدای شروع معرفی دارو، نام فارسی دارو را آورده است. مثلاً در زیر عنوان «حَرْشَف» با این عبارت شروع کرده است: «حَرْشَف کنگر باشد»؛ یا در معرفی «خَلَّاف» نوشته: «خَلَّاف، بید است» (۱۵). گاه بدون هیچ توضیحی در زیر یک عنوان عربی، معرفی را با نام فارسی دارو شروع می‌کند، مثلاً در زیر عنوان عربی «هَلِیْلِج» که معرب «هللیله» فارسی است، جمله را با این عبارت شروع می‌کند: «هللیله سه جنس است...»؛ یا در زیر عنوان «بَنک»، این دارو را در هنگام معرفی با حرف «گ» فارسی و به‌صورت «بَنگ» می‌نویسد (۱۵).

- هروی در مواردی نیز در هنگامی که عنوان دارو را به فارسی نوشته، در معرفی آن دارو در ابتدا، معنی عربی دارو را نیز می‌نویسد؛ به‌عنوان نمونه در زیر عنوان داروی «بهار»، می‌نویسد: «بهار را عین البقر خوانند»؛ یا «آزاد رخت را به تازی شیشان خوانند» (۱۵).

- ضبط دقیق کلمات از جمله عنوان داروها و اسامی خاص از مزایای این اثر در حوزه زبان و ادبیات فارسی است. به‌نظر ژیلبر

بیست و نه باب و بر اساس بیست و هشت حرف الفبای زبان عربی تفکیک شده است؛ یک باب اضافه هم مربوط به حرف لام است و همان‌گونه که گفته شد داروهای شروع شده با حرف لام در دو باب آورده شده که علت آن دقیقاً مشخص نیست.

- ✓ بررسی نشان می‌دهد در تفکیک عناوین عربی و فارسی، بخش بیشتری از عناوین یا با زبان عربی است و یا معرب آن به‌کار رفته است.

- ✓ شدت این تأثیرپذیری هروی از زبان عربی به‌گونه‌ای است که برخی پژوهشگران مانند مینوی، از احتمال ترجمه‌ای بودن این اثر از زبان عربی به فارسی، یاد کرده‌اند (۱). به نوشته محبوبی اردکانی «این که از ترجمه صحبت می‌شود از خود کتاب هم تا حدودی می‌توان استنباط کرد؛ زیرا عناوین کتاب، اغلب عربی و دشوار است؛ فرض کنیم در قرن ۴ هجری، در هرات - که یکی از مراکز زبان و ادب فارسی است - طبیعی پیدا شود که به جای گل‌گاوزبان بگوید: «لسان الثور» و بنفشه را «بنفسج» نویسد، از این قبیل الفاظ و تعبیرات که در کتاب مکرر دیده می‌شود؛ لاقلاً گواه بر این است که «اگر کتاب به‌صورت ترجمه هم نباشد، مؤلف آن قطعاً تحت تأثیر متون طبّی و مفردات عربی بوده است» (۱۵). برخی پژوهشگران نیز احتمال ترجمه را کاملاً مردود شمرده‌اند؛ به نوشته نویسندگان مدخل/لابنیه در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، وجود واژه‌های بسیار به گویش هروی نشان می‌دهد که این تألیف به زبان فارسی صورت گرفته و فرض این که هروی،/لابنیه را به زبان عربی نوشته است و اسدی طوسی آن را ترجمه کرده، به‌کلی باطل است؛ اسدی نیز بر کتابت اثر تصریح کرده است؛ ابراز شگفتی از نام‌های عربی داروها در/لابنیه اعتباری ندارد (۱۸).

با لحاظ بررسی صورت گرفته به‌نظر نمی‌رسد که این اثر، ماحصل ترجمه‌ای از زبان عربی بوده باشد. گرچه تأثیرپذیری هروی از زبان عربی، ارزش کار او را در نگارش یک کتاب به زبان فارسی و به‌خصوص یک اثر مبتنی بر تدوین فرهنگ دارویی در حد فاصل نیمه قرن چهارم تا نیمه قرن پنجم قمری، نمی‌کاهد؛ مضاف آنکه این اثر صرف‌نظر از اینکه به زبان فارسی

فهرست، مواد دارویی نام برده شده، شمارش شد و عدد ۵۷۸ حاصل آمد.

حسین محبوبی اردکانی (۱۲۹۴ تا ۱۳۵۶ش) پژوهشگر تاریخ، نسخه‌شناس و فهرست‌نگار، هنگامی که متن تصحیح شده توسط بهمنیار را برای چاپ آماده می‌کرد، برای این کتاب، فهرس متعددی تهیه کرد. یکی از این فهرست‌ها، «فهرست مواد اعم از دارویی و غیر آن» است (۱۵). همان‌گونه که در عنوان فهرست مشخص است، مبنای تدوین آن ارائه کلیه داروها و موادی است که در متن به آن اشاره شده و نه عنوان هر مدخل دارویی. همچنین در این فهرست کلیه داروها و موادی که بهمنیار - مصحح اثر - و نیز خود محبوبی در زیرنویس ارائه کرده، در این فهرست درج شده است؛ به همین دلیل این فهرست به تعداد ۴۴۹۳ دارو و ماده بالغ شده است و طبیعتاً نمی‌تواند نشان‌دهنده تعداد داروهای معرفی شده از سوی هروی باشد. بر همین اساس در مقایسه شمارش دارویی، این فهرست در نظر گرفته نشده است.

محمود نجم‌آبادی (۱۲۸۲ تا ۱۳۷۹ش) پزشک و پژوهشگر تاریخ پزشکی، در کتاب تاریخ پزشکی خود، عدد ۵۸۴ مورد نظر مینوی را نوشته است (۲۰) و حسن تاجبخش (تولد ۱۳۱۶ش) پزشک و پژوهشگر تاریخ پزشکی، در کتاب خود عدد ۵۶۱ را برای تعداد داروهای معرفی شده در کتاب *الابنیه* ارائه می‌دهد (۲۱).

منوچهر امیری (۱۲۹۹ تا ۱۳۸۹ش) مترجم و پژوهشگر ادبیات فارسی که رساله دکترای خود را در حدود سال‌های ۱۳۳۰ش با موضوع تصحیح، توضیح و تحلیل متن دارویی کتاب *الابنیه* نوشته است، در کتابی که در سال ۱۳۵۳ش منتشر کرد، می‌نویسد: «هروی در *الابنیه* از ۵۸۴ دارو بحث کرده است اما شماره داروهایی که در *الابنیه* ذکر شده است منحصر به این رقم نیست؛ این ۵۸۴ در واقع عده مواردی است که هروی درباره هر کدام مستقلاً و مفصلاً سخن رانده اما در ذیل هر یک از این مواد گاه به داروهای دیگر نیز مختصر اشارتی کرده است» (۲۲).

لازار (Gilbert Lazard) ایران‌شناس فرانسوی، ضبط دقیق تعدادی از کلمات کتاب با حرکات آوایی، کتاب را از نظر آواشناسی زبان فارسی، آگاهی‌بخش ساخته است» (۱).

• از دیگر ویژگی این کتاب از این حیث، کاربرد نام داروها و بیماری‌ها و دیگر اصطلاحات است که در زبان‌های محلی ایران کاربرد داشته، به‌عنوان مثال، اصطلاح «آجیش» متعلق به گویش مازندرانی و به معنی تب و لرز است که در *الابنیه* درج شده است (۱۵)؛ لازار به کاربرد این‌گونه واژگان نیز اشاره کرده است (۱).

تعداد داروهای معرفی شده در *الابنیه*

در مورد تعداد داروهای معرفی شده در کتاب *الابنیه* چند رقم از سوی پژوهشگران ارائه شده است:

گوستاو لبرشت فلوگل (۱۸۰۲ تا ۱۸۷۰م) شرق‌شناس آلمانی و متخصص نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی در وین، متکی بر نسخه خطی کتاب *الابنیه* در سال ۱۸۶۵/۱۲۴۳ش ضمن معرفی این نسخه، تعداد مواد دارویی معرفی شده را ۵۴۷ ماده نوشته است (۱۹). محمد قزوینی (۱۲۵۶ تا ۱۳۲۸ش) پژوهشگر، مصحح، نسخه‌شناس در سال ۱۳۰۱ش به استناد نظر فلوگل، مجموعه مفردات معرفی شده در کتاب *الابنیه* را همان رقم ۵۴۷ نوشته است (۱۴).

مجتبی مینوی (۱۲۸۱ تا ۱۳۵۵ش) مصحح، مترجم و پژوهشگر تاریخ ایران در سال ۱۳۴۵ش در مقدمه‌ای که بر چاپ عکسی کتاب *الابنیه* نوشت، به استناد فهرست فلوگل، نسخه خطی *الابنیه* را معرفی می‌کند، ولی یادآور می‌شود که هروی در این کتاب در باب ۵۸۴ کلمه و ماده از موادی که در مداوا به کار تواند رفت، بحث کرده است و خواص طبی هر یک را بیان کرده است (۱۵).

احمد بهمنیار (۱۲۶۲ تا ۱۳۳۴ش) پژوهشگر تاریخ ادبیات فارسی و عضو پیوسته فرهنگستان ایران و مصحح کتاب *الابنیه* در سال ۱۳۲۹ش در خاتمه تصحیح کتاب، فهرستی با عنوان «فهرست موضوعات» کتاب *الابنیه* تهیه می‌کند؛ این فهرست بر اساس ترتیب الفبایی صحیح انجام شده و اشکالات کتاب *الابنیه* را از این حیث ندارد (۱۵). به‌منظور بررسی دقیق این

فرسخ و سلمه هر دو جزو گیاهان دارویی هستند که هر دو صرفاً از آنان نام برده است و در این شمارش نام این داروها محاسبه نشده است.

ساختار محتوایی

به منظور شناخت اندیشه هروی و بازنمایی اندیشه هروی در خصوص داروشناسی و ساختار داروها، محتوای لابنیه از نظر تحلیل کیفی و کمی و ساختاری بررسی شد.

بررسی در محتوا و چگونگی ارائه و معرفی داروها نشان می‌دهد که هروی اندیشه‌ای منظم در خصوص ساختار داروشناسی داشته است.

بخش عمده نظام‌مندی اندیشه هروی، متکی بر ارائه تقسیمات دارویی است. وی بخشی از تقسیمات دارویی را در مقدمه اثر به روشنی بیان کرده است. بخش دیگری از نگاه سازمان‌مند هروی با اتکا بر بررسی محتوایی کیفی و کمی قابل درک است. هروی برای معرفی دارو، انواع داروهای فرعی مرتبط با آن دارو را در قالب تقسیمات مختلف ارائه می‌دهد.

پژوهشگران بخش علوم دایره‌المعارف بزرگ اسلامی این تعداد را ۵۶۱ ماده دارویی نوشته و ارقام دیگر را خطا دانسته‌اند. استناد این مطلب به کتاب‌های فلوگل، مینوی، امیری و نیز کتاب تاریخ علوم جورج سارتون است (۱۸)؛ ولی همان‌گونه که یاد شده فلوگل، مینوی و امیری این عدد را ذکر نکرده‌اند و عدد ۵۶۱ مربوط به گزارش تاجبخش می‌باشد و مشخص نیست مستند این پژوهشگران چه بوده است.

به منظور بررسی دقیق کلیه مداخل دارویی کتاب لابنیه، هر باب به تفکیک شمارش شد و عدد ۵۸۴ حاصل آمد. این عدد با عدد مینوی، نجم‌آبادی و امیری مطابقت دارد (جدول شماره یک). با این حال بنا بر یادآوری صحیحی که منوچهر امیری کرده، این عدد مربوط به عنوان داروهای است که هروی برای آن‌ها به صورت جداگانه، یک مدخل اختصاص داده و نه نام تمام داروهای که هروی در کتاب خود به آنها اشاره کرده است. به عنوان نمونه، هروی در ذیل معرفی «عدس» می‌نویسد که اگر با «فرسخ» (پریهن) یا «سلمه» خورده شود مانع زیان آن می‌شود (۱۵)؛ که در اینجا این سه مواد جزو داروها هستند.

جدول ۱: مقایسه تعداد داروهای معرفی شده در کتاب لابنیه

تعداد	مرجع شمارش‌گر
۵۴۷	گوستاو لبرشت فلوگل
۵۴۷	محمد قزوینی
۵۸۴	مجتبی مینوی
۵۷۸	احمد بهمنیار
۵۸۴	محمود نجم‌آبادی
۵۶۱	حسن تاجبخش
۵۸۴	منوچهر امیری
۵۶۱	دایره‌المعارف بزرگ اسلامی
۵۸۴	شمارش توسط نویسندگان این مقاله

قناعت افتد و افروشه‌یی [حلو] است حاضر بی‌آتش و دارویست مثانه را و اشنانست [گیاه شوینده] دست چربش‌آلود را و بوی آهک از تن ببرد و کوزه‌یی است حاضر نبیذ را که کوزخ نباشد» (۱۵).

درجهٔ سوم: داروها؛ در اینجا منظور هروی موادی هستند که انحصاراً کارکرد دارویی دارند. بسیاری از موادی که هروی در/لابنیه معرفی کرده است، جزو این گروه قرار می‌گیرند.

درجهٔ چهارم: زهرها؛ از جمله موادی را که هروی در این گروه مطرح می‌کند «بیش»ها یا زهرها هستند. وی زهرها را بر اساس منشأ آن به سه دسته تقسیم می‌کند: شامل زهر جانوران، زهرهایی که به‌واسطهٔ خوردن برخی گیاهان نباتی تأثیر می‌کند و سومین نوع، زهرهایی که منشأ آن از سنگ‌های معدنی است (۱۵).

تقسیم بر اساس منافع و مضرات و چگونگی عملکرد

داروها:

در ساختار دوم، هروی مواد و داروها را از نظر نوع منافع و مضرات و چگونگی عملکرد و آن‌گونه که هروی نوشته، «هرچیزی که اندر تن مردم کار کند» به چهار دسته تقسیم می‌کند؛ وی در متن در بسیاری موارد تعلق دارو را به هر یک از این دسته‌بندی‌ها که تحت عنوان «درجه» آورده، قید کرده است؛ این چهار دسته یا درجه عبارتند از:

دستهٔ اول: موادی که هم خوردن آن به انسان منفعت می‌رساند و هم در بیرون بدن برای بهبود جراحات‌ها نافع است مانند گندم.

دستهٔ دوم: موادی که خوردن آن نافع است ولی در بیرون بدن می‌تواند مضر واقع شود.

دستهٔ سوم: موادی که خوردن آن مضر است ولی استفادهٔ آن در بیرون بدن و بر پوست، پادزهر و نافع است. مانند مرداسنگ که خوردن آن، زهر است ولی به‌عنوان مرهم، نافع می‌باشد.

دستهٔ چهارم: که خوردن و یا استفادهٔ بیرونی از آن مواد، مضر و در حکم زهر است. هروی اشاره می‌کند که برای دفع مضرات دستهٔ چهارم، بهتر بود مواد دسته پنجمی نیز می‌بود،

از جمله در معرفی انواع زهرها (بیش) ابتدا تقسیم زهرها را بر اساس جنس ارائه می‌دهد و سپس تقسیمات فروتر انواع زهرها را معرفی می‌کند؛ یا تقسیماتی که در مورد انواع گوشت‌ها و یا انواع روغن‌ها به روغن‌های مفرد و مرکب یا انواع سنگ‌ها ارائه می‌دهد (۱۵). در موارد متعدد نیز از این‌گونه تقسیمات در مورد داروها ارائه می‌دهد. مثلاً: «آلو از چند گونه است» یا «بصل پنج نوع است» یا «اشنان چهار جنس است» (۱۵).

همچنین گرچه هروی ساختار معرفی داروها را بر مبنای یک فرهنگ الفبایی قرار داده است، اما بر اساس بررسی‌های انجام شده، به‌نظر می‌رسد در اندیشهٔ او پنج ساختار کلان برای تقسیمات دارویی قابل شناسایی است؛ این پنج ساختار کلان عبارتند از: تقسیم بر اساس ماهیت و کارکرد داروها، تقسیم بر اساس منافع و مضرات و چگونگی عملکرد داروها، تقسیم بر اساس مزاج یا طبایع داروها، تقسیم بر اساس منشأ داروها، تقسیم بر اساس وابستگی جغرافیایی داروها (نمودار شمارهٔ یک).

در ادامه، این پنج ساختار کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

تقسیم بر اساس ماهیت و کارکرد داروها:

در ساختار اول، هروی تمام مواد و داروها را از نظر ماهیت و کارکرد به چهار دسته یا همان‌گونه که نوشته به چهار «درجه» تقسیم می‌کند (۱۵)؛ هروی در معرفی داروها، تعلق دارو به این چهار درجه یا دسته را ذکر نمی‌کند ولی از محتوای مطالب مطرح شده، این تعلق قابل شناسایی است. این چهار دسته عبارتند از:

درجهٔ اول: غذاها؛ هروی موادی را که انحصاراً کارکرد غذایی داشته باشد، قید نکرده است. وی حتی در معرفی انواع گوشت‌ها، ضمن بیان طبایع گوشت هر حیوان، مزایای دارویی آن را قید می‌کند. هروی بخش مبسوطی را به طبایع انواع گوشت و خواص آن اختصاص داده است (۱۵).

درجهٔ دوم: موادی که هم غذا هستند و هم دارو؛ از جمله در مورد «بطیخ» (خربزه) می‌نویسد: «در بطیخ ده خصلت است: ریحانست و تحیتست و میوه است و نانخورشی است که بدو

داروهای گیاهی یا نباتی، با منشأ گیاهی و غذایی، یعنی موادی که از گیاهان گرفته می‌شدند، مانند زیره، پوست خربزه و انواع روغن‌ها و عصاره گیاهان.

داروهای معدنی، با منشأ معدنی، مانند انواع آب‌ها و سنگ‌ها، گوگرد، سرب، آهن، کربن و امثال آن.

داروهای حیوانی، با منشأ حیوانی، مانند انواع گوشت حیوانات و مشتقات آن و مواد دارویی که از بدن حیوانات گرفته می‌شود.

داروهای ترکیبی (قربادین)، که از ترکیب چند دارو، از یک مجموعه، یا از چند مجموعه از داروها ساخته می‌شدند، انواع حب‌ها و روغن‌های ترکیبی، ضمادها و معجون‌ها از آن جمله هستند.

داروهای با منشأ چندگانه: باتوجه به اینکه گاه برخی از داروها و مواد متعلق به دو یا چند مجموعه بودند و یا انواعی از آن منشأ متفاوت داشتند، برای این داروها بخش جداگانه‌ای در نظر گرفته شد. این داروها عبارتند از: انواع «بیش» یعنی زهرها شامل زهرهای گیاهی، حیوانی و معدنی؛ «رماد» منظور خاکستر سوخته شده هر جسمی است؛ «زوفا» که دو جنس دارد «زوفای خشک» که منشأ گیاهی دارد و مانند برگ سنای مکی می‌باشد و «زوفای تر»، چرکی است که در زیر دنبه گوسفندهای منطقه ارمنستان وجود دارد؛ «حجرالحیه» مهره مار که هم معدنی دارد و هم حیوانی (جدول شماره دو).

بررسی در این خصوص نشان داد که بیشترین حجم داروهای معرفی شده مربوط به داروهای با منشأ گیاهی و کمترین آن مربوط به دو مجموعه داروهای قربادین و داروهای با منشأ چندگانه است (جدول شماره دو).

در یک پژوهش مشابه که در مورد کتاب ذخیره خوارزمشاهی صورت گرفته نیز ترتیب حاصل شده بر همین روال قرار گرفته است. در این پژوهش در اثر ده جلدی ذخیره خوارزمشاهی تعداد ۱۴۰۸ دارو شناسایی شده است که در این پژوهش گرچه داروهای با منشأ گیاهی در صدر قرار دارد ولی کمترین داروها متعلق به داروهای معدنی است (۲، ۷، ۸).

ولی نیست و این مواد دسته چهارم «مردم را هلاک کند» (۱۵).

تقسیم داروها بر اساس طبایع یا مزاج‌ها:

ساختار دیگر، تقسیم داروها بر اساس مزاج یا طبایع داروها به روال طب سنتی است. هروی اشاره دارد داروها در چهار طبع یعنی گرم، سرد، تر و خشک قابل تقسیم هستند. این طبایع خود می‌توانند به صورت ترکیبی از دو طبع باشند و مثال می‌آورد که «بعضی دارو یا غذا گرمست اندر درجه اول، خشکست اندر درجه دوم» (۱۵)؛ تقسیمات مرکب مورد نظر هروی شامل گرم و تر، گرم و خشک، سرد و تر، سرد و خشک است که در طب سنتی ایران مورد استفاده است. هروی در معرفی هر دارو، تعلق دارو به هر یک از طبایع را مشخص و این موضوع را با تقسیمات مربوط به آن درج کرده است؛ مثلاً «ترنج از چهار طبایع مرکبست» (۱۵).

تقسیم بر اساس منشأ دارو:

ساختار چهارم بر اساس تقسیم داروها متکی بر منشأ داروها شامل داروهای گیاهی، حیوانی، معدنی، قربادین (ترکیبی) و نیز داروهای با منشأهای چندگانه است. هروی در مقدمه اثر خود به صراحت به این تقسیم‌بندی اشاره نکرده است، ولی در تحلیل محتوای متن می‌توان به این نوع تقسیم‌بندی واقف شد. این ساختار تقریباً بر همین روال در متون پزشکی پس از هروی نیز رعایت شده است (جدول شماره دو).

در مجموع و با توجه به مطالب پیش گفته، ۵۸۴ داروی اصلی شناسایی شده در «لابنیه»، مبنای بررسی قرار گرفت. این واژگان بر اساس منشأ داروها در چهار مجموعه تفکیک شد. این چهار مجموعه بر اساس تقسیم‌بندی داروها در طب سنتی یعنی مفردات گیاهی یا نباتی، معدنی، حیوانی و داروهای قربادین یا ترکیبی صورت گرفته است. به این چهار مجموعه یک مجموعه دیگر شامل داروهای مشترک که منشأ آنان می‌توانست متعلق به دو یا چند مجموعه از مجموعه‌های سه‌گانه اولی (گیاهی، معدنی و حیوانی) باشد، اضافه شد:

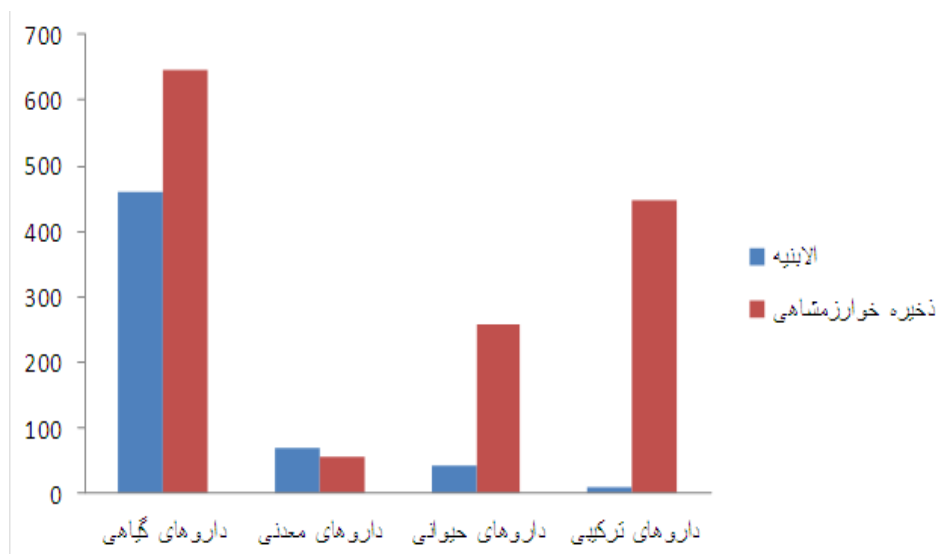
این مجموعه‌های پنج‌گانه عبارتند از:

جدول ۲: مقایسه داروها بر اساس منشأ دارو

نتایج در ده جلد کتاب ذخیره خوارزمشاهی		نتایج در کتاب الاینیه		منشأ دارو	رتبه
تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۶۴۶	۴۵/۹	۴۶۷	۸۰	داروهای گیاهی	۱
۵۶	۴	۶۸	۱۲	داروهای معدنی	۲
۲۵۸	۱۸/۳	۴۱	۷	داروهای حیوانی	۳
۴۴۸	۳۱/۸	۴	۰/۵	داروهای قرآبادین (ترکیبی)	۴
		۴	۰/۵	داروهای با منشأ چندگانه	۵
۱۴۰۸	۱۰۰	۵۸۴	۱۰۰	جمع	

است که این امر به دلیل افزایش تعداد داروهای ترکیبی و حیوانی می‌باشد. به نظر می‌رسد افزایش داروهای قرآبادین در ذخیره خوارزمشاهی به نسبت کتاب الاینیه ناشی از افزایش توانمندی پزشکان ایرانی در ساخت داروهای ترکیبی و یا توجه بیشتر جرجانی به این‌گونه داروها باشد. بر همین اساس نیز می‌توان افزایش داروهای حیوانی را محتملاً به دلیل پیشرفت دانش داروشناسی زمانه جرجانی دانست؛ با این احتساب که ذخیره خوارزمشاهی حداقل پنجاه سال پس از کتاب الاینیه نگارش شده است.

در جدول شماره دو مقایسه این دو نتایج قابل توجه می‌باشد. اختلاف در تعداد داروهای استخراج شده طبیعی است؛ زیرا مجموعه کتاب‌های ذخیره خوارزمشاهی در مقایسه با کتاب الاینیه، حجم بسیاری دارد؛ ولی ترتیب داروها در دو کتاب از نظر توجه جرجانی و هروی به داروها تفاوت‌هایی دارد. در هر دو اثر، داروهای گیاهی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در ردیف دوم، داروهای معدنی از نظر تعداد در هر دو کتاب نزدیک به یکدیگر هستند ولی از نظر درصد و رتبه، داروهای معدنی در ذخیره خوارزمشاهی در رتبه آخر قرار گرفته



نمودار ۱: مقایسه منشأ داروها در الاینیه با ذخیره خوارزمشاهی

داروهای معدنی، حیوانی، داروهای با منشأ چندگانه و در نهایت داروهای قرابادین است.

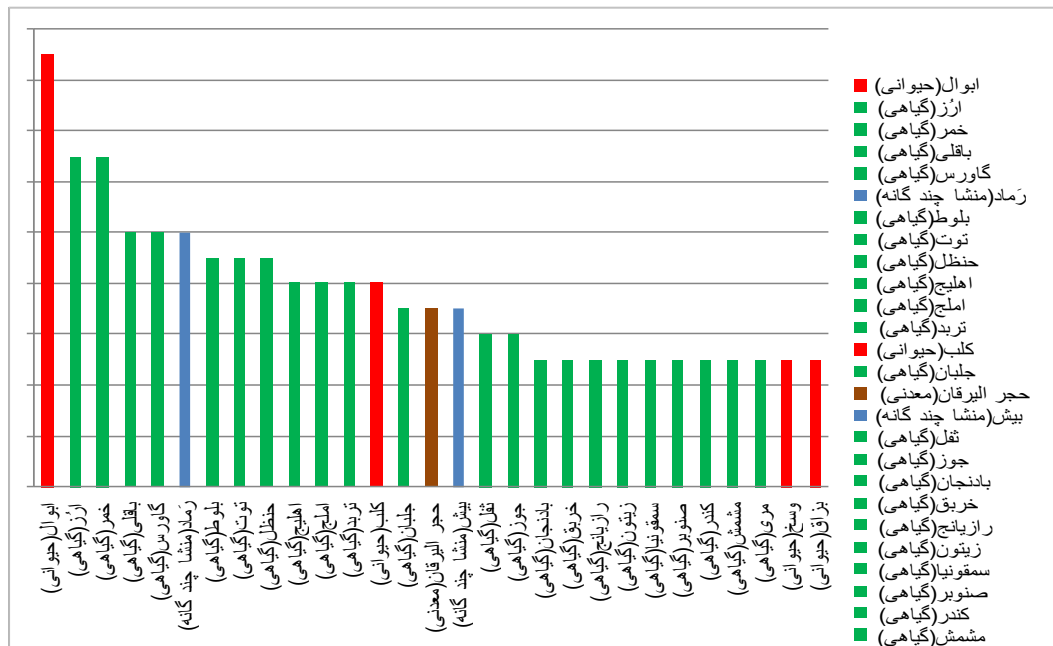
در ستون انتهایی جدول شماره سه، متوسط تعداد تکرار نام داروها در مجموعه مربوط نشان داده شده است. این نتایج نشان می‌دهد که میزان تکرار نام داروها به طور تقریبی یکسان هستند؛ به عبارتی نام هر دارو تقریباً در دو جا یعنی در عنوان مدخل و سپس معمولاً در ابتدای شروع معرفی دارو آورده شده و کمتر در ادامه متن، نام دارو مجدد تکرار شده است. با این حال در مورد برخی داروها، هروی در متن بیش از دو بار و گاه مکرر نام این داروها را برده است و از این حیث احتمالاً برخی داروها از نظر هروی کاربرد و اهمیت بیشتر داشته و نام آنان در متن بیشتر تکرار شده است. به همین منظور این داروها در نمودار شماره دو مشخص شده و پُرکاربردترین داروها شناسایی شد.

به‌منظور دریافت میزان توجه هروی به هر یک از مجموعه داروها و نیز شناخت گستره کاربردی داروها، این داروها در کتاب *الابنیه* بر اساس تکرار نام دارو، بررسی شد. در این بررسی، میزان تکرار داروها در هر مجموعه دارویی و نیز متوسط تکرار این داروها در مقایسه هر مجموعه با یکدیگر استخراج شد (جدول شماره سه). تعداد تکرار دارو برحسب نام دارو در عنوان مدخل و نیز در ابتدای معرفی دارو، محاسبه شده؛ مثلاً در مدخل نوشته شده «ارز» و در متن به نام «گرنج» از آن یاد شده؛ یا در عنوان مدخل «هشقیقل» و در متن «هشقیقل» نوشته شده است؛ در این موارد، هر دو واژه جداگانه شمارش شده است.

در مقایسه داده‌های جدول شماره دو و سه، در خصوص داروهای معرفی شده در *الابنیه*، هم‌راستایی مشاهده می‌شود. در جدول شماره سه، همچون جدول شماره دو، بیشترین تکرار نام داروها متعلق به داروهای گیاهی و سپس به ترتیب

جدول ۳: مقایسه داروها بر اساس تکرار نام دارو در کتاب *الابنیه*

ردیف	منشأ دارو	میزان تکرار کل داروهای مربوط به این مجموعه	بیشترین تکرار نام یک دارو	کمترین تکرار نام یک دارو	متوسط تعداد تکرار دارو در این مجموعه
۱	مجموعه داروهای گیاهی	۱۱۵۱	۱۳	۱	۲/۵
۲	مجموعه داروهای معدنی	۱۵۰	۷	۲	۲/۲
۳	مجموعه داروهای حیوانی	۱۲۰	۱۷	۱	۲/۹
۴	مجموعه قرابادین	۹	۳	۲	۲/۲
۵	مجموعه داروهای با منشأ چندگانه	۲۲	۱۰	۲	۵/۵



نمودار ۲: تعداد تکرار نام دارو در کتاب /لابسیه (با حداقل پنج مورد)

جدول ۴: تقسیم داروهای پرتکرار از نظر منشأ دارویی

ردیف	مجموعه دارو	تعداد داروی پرتکرار	جمع کل تکرار	درصد تکرار گروه داروهای پرتکرار در این مجموعه
۱	داروهای گیاهی	۲۲ دارو	۱۶۱ بار	۷۳/۱۸
۲	داروهای حیوانی	۴ دارو	۳۵ بار	۱۵/۹۰
۳	داروهای با منشأ چندگانه	۲ دارو	۱۷ بار	۷/۷۲
۴	داروهای معدنی	۱ دارو	۷	۳/۱۸
۵	داروهای قرابادین	۰	۰	۰
-	جمع	۲۹	۲۲۰	۱۰۰

نیز داروهای گیاهی از نظر تکرار بسیار پرتعدادتر از دیگر مجموعه‌ها هستند. از بیست و نه داروی پرتکرار، بیست و دو دارو از مجموعه داروهای گیاهی، چهار دارو با منشأ حیوانی، دو دارو با منشأ چندگانه و یک دارو با منشأ معدنی می‌باشد (جدول شماره چهار).

اولین داروی پرتکرار که مشخص نیست چرا هروی در باب لام آن را قرار داده است (۱۵)، ابوال و به معنی «بول» جانوران است. علت تکرار زیاد این ماده به آن دلیل است که هروی برای بول برخی از جانوران به تفکیک خواصی را ذکر نموده است (۱۵). داده‌های نمودار شماره دو نشان می‌دهد که در اینجا

تقسیم بر اساس وابستگی جغرافیایی دارو:

ساختار پنجم هروی متکی بر تقسیم‌بندی وابستگی جغرافیایی داروها است. باتوجه به اینکه هدف هروی تدوین یک فرهنگ کامل دارویی بوده، تلاش داشته حاصل دانش دارویی جهان شناخته شده‌اش را در تدوین اثر دخیل کند. در مقدمه هروی بر کتابش، سه حوزه اصلی جغرافیایی غیر از منطقه ایران دیده می‌شود که این سه منطقه به ترتیب اهمیت عبارتند از: هندوستان، یونان، روم؛ که به تأکید هروی، در بررسی داروها در مقایسه دانش هندی‌ها و رومی‌ها، وی «راه حکیمان هند» را برگرفته زیرا «دارو در آنجا بیشترست و عقاقیر آنجا تیزتر و خوش‌تر و همت مردمان به استقصا اندر حکمت بالغ‌ترست» (۱۵). از نظر هروی اقلیم هندوستان از نظر تنوع دارویی بسیار حائز اهمیت است. به نوشته او هر موادی که در دیگر اقلیم است در هند موجود است، به جز سه مواد که بدل این سه مواد نیز در هند وجود دارد. وی می‌افزاید در مقابل، داروهایی در هندوستان وجود دارد که در دیگر اقلیم‌ها نیست (۱۵). هروی بر بهره گرفتن خود از حکمای یونانی و رومی و هندی اشاره دارد؛ ولی تأثیر داروهای هندی در اندیشه هروی، به روشنی در مقدمه و متن آشکار است. وی در متن نیز چندین بار از حکمای هندی نام می‌برد، حکمایی که شناسایی آنان میسر نیست (۱۵). هروی در بیست مورد به صراحت از وابستگی جغرافیایی داروها به هند یاد می‌کند (جدول شماره پنج).

هروی در مقدمه اثر خود، به سهو یا به عمد جهان را شش اقلیم دانسته است (۱۵). در اندیشه جغرافی دانان مسلمان و نیز ایرانیان، جهان به هفت اقلیم تقسیم می‌شد و این اقلیم هفت‌گانه ظاهراً بر پایه اندیشه ایرانیان مبتنی بر تقسیم جهان بر هفت کشور بود (۲۳). در این تقسیمات، سرزمین‌های ایرانی در وسط این اقلیم و به‌عنوان اقلیم چهارم بودند و سایر اقلیم گرداگرد آن قرار داشتند. ابوریحان بیرونی (۳۶۲ تا ۴۴۰ق) معاصر با هروی متکی بر اندیشه تقسیمات جغرافیایی ایرانیان و مسلمین، این اقلیم را به شرح زیر معرفی کرده است:

اقلیم اول: هند؛ دوم: شبه‌جزیره عربستان (حجاز، یمن، حبشه، بحرین)؛ سوم: مصر تا انتهای سرزمین مغرب و

بیابان‌های افریقا؛ چهارم: سرزمین‌های ایرانی از جمله عراق، فارس، جبال، خراسان و سیستان، بابل؛ پنجم: سرزمین‌های رومیان و اندلس و فرنگ تا قفقاز؛ ششم: سرزمین‌های شمالی دریای خزر و مناطق استقرار غزها و قبایل دیگر؛ هفتم: چین و تبت (۲۴).

هروی علاوه بر بیان سه حوزه جغرافیایی پیش گفته در خصوص داروشناسی، در متن نیز در مواردی که نیاز دیده است، به مکان‌های جغرافیایی مرتبط با آن دارو نیز اشاره کرده است. به‌نظر می‌رسد هروی در معرفی داروها به نوعی به مکان و وابستگی جغرافیایی دارو توجه داشته است. این توجه او به این‌صورت بوده که گاه اشاره می‌کند این دارو خاص یک منطقه است و یا از جمله محل‌های یافتن اولیه داروها منسوب به آن مکان است و یا از جمله مکان‌هایی که دارو یافت می‌شود، این مکان است. در این بررسی مشاهده شد که گاه هروی برای یک دارو، دو یا چند مکان اصلی را اشاره کرده است که در این موارد برای هر دو اقلیم محاسبه شده است، از این جهت جمع‌نهایی حاصل شده، اندکی با جمع کل داروهایی که مبنا قرار گرفته است، اختلاف دارد.

با این حال هروی به وابستگی جغرافیایی بسیاری از داروها - یعنی بیش از ۸۵٪ - اشاره نکرده است (جدول شماره پنج). بررسی وابستگی جغرافیایی حدود ۱۵٪ باقیمانده نیز نشان می‌دهد که این وابستگی عمدتاً از سوی هروی به ترتیب به سرزمین‌های عربی یا منتسب به عربی، ایرانی، هندی، یونانی - رومی، افریقا و در انتها چین و تبت بوده است (جدول شماره پنج). منظور از سرزمین‌های عربی مورد نظر هروی، عمدتاً شامل نبطی (حدود اردن کنونی)، شامات (سوریه کنونی) یمن و مکه بوده است؛ همچنین هروی گاه دارو را «عربی» یا «تازی» خوانده است که این‌گونه داروها نیز در مجموعه داروهای اقلیم دوم حساب شده است. در اقلیم پنجم نیز که تا قفقاز امتداد داشته است، سرزمین‌های ارمنستان، اران و همجوار آنها بوده که این سرزمین‌ها در روزگاری، بخشی از قلمرو ایران جغرافیایی و سیاسی بوده است.

جدول ۵: مقایسه داروها بر اساس وابستگی جغرافیایی

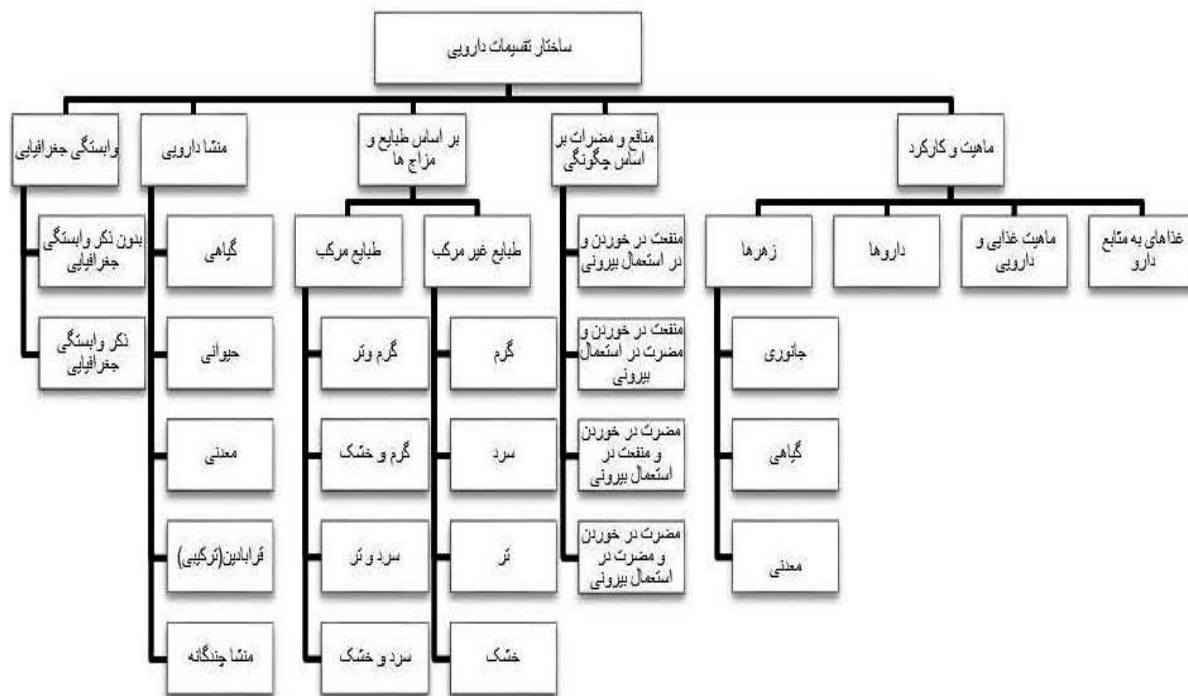
جدول شماره پنج: مقایسه داروها بر اساس وابستگی جغرافیایی									
ردیف	مشا دارو	اقلیم اول (هند)	اقلیم دوم (شبه جزیر عربستان و سرزمین های عربی)	اقلیم سوم (آفریقا)	اقلیم چهارم (ایران)	اقلیم پنجم (سرزمین های یونانی و رومی تا قفقاز)	اقلیم ششم (سرزمین های شمال خزر و غزها)	اقلیم هفتم (چین و تبت)	بدون ذکر محل جمع
۱	مجموعه داروهای گیاهی	۱۸	۲۳	۴	۱۶	۱۴	۰	۴	۴۹۵
۲	مجموعه داروهای معدنی	۱	۲	۲	۴	۲	۰	۰	۶۰
۳	مجموعه داروهای حیوانی	۱	۳	۰	۱	۱	۰	۰	۳۴
۴	مجموعه ترکیبی (قرابادین)	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۸
	جمع	۲۰	۲۸	۶	۲۱	۱۷	۰	۴	۵۹۷

نتیجه گیری:

کتاب *الابنیه عن حقایق الادویه* ابومنصور هروری، اولین کتاب داروشناسی، به زبان فارسی است. تحلیل کیفی و کمی مفاد کتاب *الابنیه*، ساختار داروشناسی در اندیشه هروری را برای ما آشکار می سازد.

این بررسی نشان داد که در اندیشه هروری، پنج ساختار کلان در مورد داروها قابل شناسایی است. به نظر می رسد که این ساختارها، متکی بر آگاهی ها و دانش پزشکی روزگار هروری است که اگر او را مبدع این ساختارها ندانیم، باید او را حلقه ای مهم از زنجیره دانش پزشکی و داروشناسی در تمدن ایرانی پیش از اسلام و تمدن ایرانی - اسلامی دوره اسلامی تلقی

کنیم. هروری پنج تقسیم بندی از داروها را در اختیار ما قرار می دهد که بخش زیادی از این ساختار و تقسیم بندی ها تا دوره های پس از هروری و حتی تاکنون در دانش طب سنتی باقی مانده است. وجود این تقسیم بندی های کلان و نیز ارائه تقسیمات فروتر در مورد بسیاری از داروها، نه تنها نشان دهنده آگاهی و دانش هروری از داروها است بلکه بیانگر روش مندی و نظام مندی مطالعات داروشناسی هروری است. مطالعه تطبیقی دانسته های هروری با حکمای بعدی در تاریخ پزشکی ایران نشان دهنده استمرار این روش مندی و نیز ارتقاء دانش پزشکی و داروشناسی در سال های بعد می باشد. حداقل مطالعه تطبیقی میان دانسته های هروری با دانسته های جرجانی نشان



نمودار ۳: ساختار داروشناسی در اندیشه هروی

داروها را به خود اختصاص داده بودند؛ روالی که پس از آن در دانش پزشکی و داروسازی ایرانی - اسلامی تداوم یافت. اهمیت دیگر *الابنیه* را باید در ثبت و ضبط واژگان فارسی در دانش داروشناسی دانست که بر ارزش این اثر افزوده است. بررسی *الابنیه* از این حیث و شناخت و ریشه‌یابی واژگان هروی از نگاه داروشناسی، می‌تواند موضوع پژوهشی در جهت تکمیل دانسته‌های ما از دانش پزشکی در تمدن ایرانی - اسلامی باشد. همچنین *الابنیه* علیرغم آنکه یک فرهنگ دارویی است، منبعی غنی در حوزه بیماری‌شناسی و اندام‌شناسی در دانش پزشکی قرون اولیه اسلامی محسوب می‌شود که بررسی در این خصوص نیز می‌تواند مورد توجه پژوهشگران تاریخ پزشکی قرار گیرد.

می‌دهد که دانش پزشکی از این حیث روند تکاملی را پیموده است. این تکامل و پیشرفت در چند وجه قابل شناسایی است: - در گسترش شناسایی و کاربرد داروها: کثرت داروها در *ذخیره خوارزمشاهی* در مقایسه با *الابنیه* که به بیش از دو برابر افزایش یافته است، نشان‌دهنده این گسترش است. - پیشرفت از حیث افزایش ساخت داروهای ترکیبی (قرابادین): افزایش این داروها از ۰/۵ در هروی تا حدود ۰/۳۲ در *ذخیره خوارزمشاهی* نشان‌دهنده این پیشرفت است. - گسترش تنوع داروها و استفاده بیشتر از داروهای با منشأ گیاهی: با این حال در طی قرون چهار تا پنج قمری یعنی از *الابنیه* تا *ذخیره خوارزمشاهی*، داروهای گیاهی بیشترین حجم

References:

1. Muvaffagh Heravi A. *Al-Abniyeh an Hagahyegh al-Advyieh*. Translated by: M Amiri. Tehran: The publication of the Institute of Iranian Academy of Sciences and the Iranian Treasury; 2009. P:5-40. [In Persian].
2. Asgari F. The term Islamic medical course based on the content and lexical analysis of the book *Al-Aghraz al-Tibbia val Mabahess al-Alaieh* [dissertation]. Tehran: Payame Noor University; 2009. [In Persian].
3. Nikseresht M. Specialized lectures in AH in the 8th century AH based on the book *Tashriholabdan* Mansur ibn Mohammad ibn Ahmad ibn Yusuf ibn Elias Shirazi [dissertation]. Tehran: Payame Noor University; 2010. [In Persian].
4. Zoghi M. Ophthalmology in the Seljuk period (based on the extraction of the Ophthalmic vocabulary of the Nur al-Ayoun book) [dissertation]. Tehran: Payame Noor University; 2011. [In Persian].
5. Mousavizade N. Islamic term medical term based on the content and lexical analysis of the book *Hidayat al-Muta`allemin fi al-Tibb* [dissertation]. Tehran: Payame Noor University; 2011. [In Persian].
6. Jahani F. Islamic medical terminology based on the content and linguistics analysis of manuscripts of *Zakhireh Kharazmshahi* (Five First Books) [dissertation]. Tehran: Payame Noor University; 2011. [In Persian].
7. Khosrobeigi H, Jahani F. Islamic medical terminology based on the content and linguistics analysis of manuscripts of *Zakhireh Kharazmshahi* (Five Second Books) [Research Project]. Tehran: Payame Noor University; 2016. [In Persian].
8. Khosrobeigi H, Jahani F. Medical terminology in “*Zakhireh Kharazmshahi*” book. *Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine*. 2016; 7 (3) :289-300.
9. Dekhoda A. Persian dictionary. Tehran: University of Tehran;1998.[In Persian].
10. Nafisi A (Nazem al-Ateba). Nafisi culture. Tehran: Khayyam; 1964. [In Persian].
11. Shad MP. Anndaraj culture. Ed by: M Dabir Sayaghi. Tehran: Khayyam library;1987. [In Persian].
12. Jar K. Arabic Farsi Larus dictionary. Translated by: H Tabibian. Tehran: Amirkabir; 1994. [In Persian].
13. Jorjani SI. *Zakhireh Kharazmshahi*. Qom: Traditional Medicine Revitalization Institute Press; 2012. [In Persian].
14. Ghazvini M. Twenty Articles. Tehran: Avicenna Press; 1988:Vol.2, P:264 . [In Persian].
15. Muvaffagh Heravi A. *Al-Abniyeh an Hagahyegh al-Advyeh*. Manuscript edits: A Bahmanyar, H Mahbobi ardakani. 2nd Ed. Tehran: Tehran University Press; 1992: 1-29,359-420. [In Persian].
16. Khatibi A. Asadi Tusi A: The great Islamic encyclopedia; vol.8, Tehran: The Centre for the Great Islamic Encyclopaedia; 1988. P:277. [In Persian].
17. Khaleghi Motlagh J. Asadi Tusi on the History of Asadi -the Identity of his memoirs-determining the time of writing the book of *Al-Abaniya* - Asadi's debates (Part I). *Majalla-ye Dāneškada-ye adabīyāt o olūme-ensānī-e- Ferdowsi University of Mashhad*. 1977; 3652: 661-663. [In Persian].

18. Science section in the great Islamic encyclopedia. Abu Mansur Muvaffagh Herawi. Vol.6. Tehran: The Centre for the Great Islamic Encyclopaedia; 1988. p:295. [In Persian].
19. Flugel G, editor. Die arabischen, persischen und türkischen Handschriften der Kaiserlich-Königlichen Hofbibliothek zu Wien. Wien: 1865. P:536.
20. NajmAbadi M. History of medicine in Iran after Islam up to the Mongol era. Tehran: Tehran University Press; 1987. Vol. 2, P: 640. [In Persian].
21. Tajbakhsh H. Iranian veterinary and medical history. Tehran: Tehran University Press; 2000. Vol.2. P:396. [In Persian].
22. Amiri M. The encyclopedia of medication and glossary or study on the book *Al-Abniyeh an Hagahyegh al-Advyeh* . Tehran: Iranian Culture Foundation; 1974. P: 24-26. [In Persian].
23. Safinejad J. Geography: Historical Schools Divisions of the Quarter (Old World). Ayene-ye Miras. 2008; 6 (43): 221-264.
24. Abu reihane Birouni M. The determination of the coordinates of positions for the correction of distances between cities (a translation from the Arabic of Kitāb taḥdīd nihāyāt al-amākin litashīh masāfāt al-masākin). Translated by: A Aram. Tehran: Tehran University Press;1973. Vol.2. P:111-116. [In Persian].